

ادامه از صفحه اول

«شاهنامه» خوانده‌ای؟

می‌دانیم که سلطان محمود مشروعیت خود را از خلافت عباسیان در بغداد کسب می‌کرد و یکی از مهم‌ترین جنبه‌های خدمتگزاری به او، تعقیب و مبارزه با هر مخالف فکری و غیرفکری خلافت بودو از همه مهم‌تر گروه‌های شیعی مذهب، که ظاهراً همه آنها را «قرمطی» می‌خواند تا کار سرکوب ایشان آسان شود. به قول خودش: از بهر خدمت عباسیان انگشت در جهان کرده بود و «قرمطی» می‌جست. قرمطی‌ها فقط اسماعیلی مذهبان نبودند و گاه شامل هر شیعی‌مذهب دیگر هم می‌شدند، که به‌طور طبیعی با خلافت و عمال خلافت سر‌ناسازگاری داشتند. در فتح همین ری هم گفته‌اند که محمود ششماری از قرمطیان را از دم تیغ گذرانید و اجسادشان را به دار کشید و کتاب‌هایشان را سوزاند. در اواخر عمر فردوسی، خراسان دستخوش تاخت‌وتاز و گرفتار آتش تعصب‌پو‌ری‌ها و کینه‌جویی‌های فرقه‌های گوناگون شده بود، به‌ویژه کرامیان، که حتی دیگر مذاهب اهل سنت را هم تحمل نمی‌کردند و سلطه خود را بر ارکان حکومت غزنی هم گسترده بودند. کرامی‌ها عقاید مخصوصی داشتند، مانند جسم‌انگاری خداوند و از این قبیل. آنها برای تثبیت حاکمایت خود از غارت اموال و حتی قتل مخالفان کوتاه نمی‌آمدند، یا اینگونه عقاید را بهانه‌ای برای تسویه‌حساب‌های شخصی و فرقه‌ای قرار می‌دادند. در زمانه‌ای چنین ششور، تخاصر آشکار فردوسی به تشیع بسیار دلبرانه بود. منم بنده اهل بیت نبی/ مستاینده خاک پای وصی/ بر این رزاد و هم بر این بگنزم/ چنان دان که خاک پای حیدرم/ اما موضوع فقط به مدح امیرالمومنین علی(ع) در دیباجه شاهنامه ختم نمی‌شد، بلکه فردوسی به جنگ عقاید رسمی رفته بود. کرامیه به نحوی خداوند را جسم می‌پنداشتند، اما فردوسی با الهام از آموزه‌های تشیع می‌گفت: نیاید بدو نیز اندیشه راه یا بد به بینندگان آفریننده را/ تبیینی نور منجان دو بیننده راه یا در همان دیباجه به رسم آثار شمیعی بابی را به ستایش خرد و خرمندی اختصاص داده بود. کرامیه و امثال آنها می‌دانستند که شاهنامه رسانه‌ای بسیار نیرومند علیه عقاید ایشان است؛ به‌ویژه که بیشترین دل‌بستگان به «شاهنامه» و به‌طور کلی روایات ملی ایران، شیعی مذهب بودند، مانند ابومنصور عبدالرزاق همان کسی که ماجرای مشهور «ضامن آهو» برای او رخ داد و آن را به‌عنوان یکی از کرامات بارگاه حضرت (رضاع) برای دیگران نقل کرد و باید از استاد بسیاریان احمد مهدوی‌دامغانی سپاسگزار بود که برای نخستین‌بار این موضوع را مطرح کرد.

ادامه در صفحه ۱۵

روایت افسانه ماهیان از «هم‌هوایی»:

منتظر واکنش‌های تند بودم

فرزانه ابراهیم‌زاده:افسانه ماهیان می‌گوید «هم‌هوایی» یک نمایش مستند نیست، هر چند درباره سزنی نوشته و اجرا شده که همه ما آنها را می‌شناسیم و در کنارشان زندگی کردیم. به بهانه اجرای هم‌هوایی در تالار حافظ او از درباره ویژگی‌های این نمایش پرسیدیم.

کا تئاتر مستند از آن گونه تئاتر هایی است که یکی، دوسالی در میان هنرمندان تئاتر مورد توجه قرار گرفته و به آن می‌پردازند. کار شما هم به‌نوعی در این گونه دسته‌بندی می‌شد؟

از نظر خودم نه چون تعریف تئاتر مستند کلا متفاوت است. این تئاتر به‌لحاظ تحقیق و مطالعاتی که مهنی ص‌دی بر اساس شخصیت‌های مستند در جامعه انجام دادند، مستند است. اما بعد از انتخاب این سه‌شخصیت مهنی ص‌دی بخشی از برداشت شخصی خودش و من به‌عنوان کارگردان را وارد داستان کرد. در نتیجه، این کار در قالب تئاتر مستند نمی‌گنجد چون واقعاً تئاتر مستند مولفه‌های دیگری برای مستندشدن دارد و در قالب و فرم اجرای ما نمی‌گنجد. به همین دلیل هم هست که ما نام‌های اصلی کاراکترها را نمی‌آوریم. چون وقتی شما اسم کاراکتر را می‌آورید کلمه به کلمه مهم است. شما الان خبرنگارید و با من مصاحبه می‌کنید و می‌گویید افسانه ماهیان این جمله را گفت و من می‌توانم به‌عنوان یک شخص مدعی باشم که این جمله را نگفتم‌ام و شما باید پاسخگو باشید یا برعکس. در این کار کلر هم جاهایی این کار را کردیم چون ما جزئیات این افراد را نداریم مثلاً فیلم دادگاه‌های شهلا وجود داشته اما اطلاعات ما از کودکی و جنگ براساس تخیل نویسنده بوده و خانم ص‌دی برای خط و ربط نمایشنامه این کار را کرده‌اند و در تعریف تئاتر مستند نمی‌گنجد.

ک ایده نمایش از مهنی ص‌دی بود؟

بله. ایشان قرار بود سه سال قبل این کار را انجام دهند و در صحبت با ایشان پیشنهاد این طرح را به من دادند و ایشان تقریباً ۱۵ ورژن نوشت. قرار بود پنج کاراکتر باشند و بعد دیدیم همین سه کاراکتر هم کافی است.

ک با آنکه متن مهنی ص‌دی خیلی روان است اما به نظرم کارگردانی این‌متن خیلی سخت است. در حقیقت جز بازی و متن خوب، این کارگردانی است که به چشم می‌آید.

خیلی. این وظیفه کارگردان است که بتواند چیزی که به‌عنوان نوشته و دیالوگ وجود دارد را زندگی ببخشد و به تصویر بکشد. کارگردانی مونولوگ اساساً کار سختی است. ما شیوه‌های مختلفی را اتود کردیم و از ذهن



شماره ثبت ۲۹۹۱

یاری معلولین آفرینش زیبایی است

عشق را نثار قلب های مددجویان این خانه کنیم

شماره حساب مشارکت های مردمی

بانک تجارت شعبه اله وردی (پاسداران)

حساب جاری:

شماره کارت: ۴۳۴۳ ۹۱۶۶ ۵۳۹۹ ۶۲۷۳

شماره شبا: ۳۶۹۲۶۳۱۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ IR۹۳۰۱۸

به نام مرکز خیریه معلولین ذهنی وحدت

واریز وجه از طریق تلفن همراه با شماره گیری کد

۹۸۹۸۹۸*۴*۷۳۳*

نشانی : خیابان پاسداران انتهای بوستان دوم خیابان شهید افشاری بالاتر از تالار ساقدوش سمت راست کوچه وحدت یا از طریق بزرگراه رسالت خیابان بنی هاشم خیابان شهید افشاری ...

تلفن: ۲۲۹۴۹۴۹۵-۲۲۹۴۲۱۳۲ تلفکس : ۲۲۹۴۷۰۱۴

آدرس سایت اینترنتی:

www.vahdat-mrrcc.com

آدرس پست الکترونیک :

vahdatcharity@gmail.com

هنر سیاست



محسن فیاض‌نیکایی

تقدیس می‌کنید. شهلا هم یک جنبه شلوغ و ژورنالیستی داشت. یادم هست هرجا می‌رفتید چند سال از شهلا در صفحه اول روزنامه‌ها نام برده می‌شد و کاراکتر عجیبی هم داشت. حتی عکس‌ها و حالت دست‌هایش را که می‌بینید شک می‌کنید که آیا بازیگر بوده است؟ لیلا هم یک زن کوهنورد است که در کنار دو شخصیت دیگر کم‌رنگ‌تر است. این احساس شما به خاطر ویژگی‌های کاراکتر است. **ک** **به‌خاطر تمرین‌های زیادی که داشتید این تصور به وجود می‌آید که کسی دیگر نمی‌توانست این نقش‌ها را بازی کند.**

هم به این خاطر و هم به‌خاطر شناخت من از این بازیگران است. مثلاً با خانم کردا کار کرده‌ام و می‌دانستم در این نقش به خوبی دیده خواهد شد. ابتدا خودش تعجب کرد که قرار است این نقش را بازی کند. در مورد ستاره اسکندری هم همین‌طور که قدرت بازی‌اش را از سال‌های دور در کارهای دکتر رفیعی و نقش‌های خاص می‌دانستم. اینها همه سلیقه است، شاید کسی دیگر اگر این کار را کارگردانی می‌کرد بازیگران دیگری را استفاده می‌کرد. اما در مورد سارا بهرامی می‌خواستم بازیگری از نسل جوان‌تر استفاده کنم. به این دلیل که لیلا را اگر هرطور دیگری در نظر بگیریم می‌تواند نمایندگی کند و به نسل دهه‌های ۶۰ و ۷۰ نزدیک‌تر است؛ از نوع پوشش تا سرکشی‌های دخترانه‌ای که کاراکترهای نسل جوان دارند. این است که ترجیح دادم کسی باشد که بتواند یک مقدار معرف این جنس از شخصیت هم باشد.

ک **صحنه اعدام شهلا برای خودم صحنه هولناکی بود و تا چند روز به آن فکر می‌کردم.**
ما سعی کردیم از میزانس‌های اوراکت و درشت استفاده نکنیم و همه چیز خیلی نرم اتفاق بیفتند.

ک **می‌دانم خانواده شهید دوران قرار است برای دیدن کار ببینند.**
خانواده مقتول با پسرشان آقای یاریار و فوتبالیست‌ها برای دیدن آمد کار بودند. قصد قصه این است که گفته شود اعدام کار خوبی نیست و باید فرهنگ‌سازی شود.

ک **واکنش‌های منفی نداشتید؟**
خیر اتفاقاً خودم منتظر واکنش‌های تند بودم اما بعد انسانی باید در نظر گرفته شود. خوشبختانه واکنش تند با متعصبانه نداشتیم.

پرسش تاریخ

دنبال قاتل، ۶۴ سال بعد از قتل روزنامه‌نگار

مهسا جزینی

کردند. زندانی می‌شود. قاتعش می‌کند که از زندان بیرونش بیاورند به شرط اینکه وابسته به دستگاه بشود. او هم قبول می‌کند و این ابتدای ارتباطش می‌شود با رزم‌آرا.. احمد دهقان (هم) با او صحبت‌هایی می‌کنند چند تا مأموریت انجام می‌دهد و بالاخره می‌خواهندش به تهران می‌گویند تو این مأموریت آخری را که انجام بدهی ما تو را در می‌بریم و پاسپورت و بلیط هم حاضر است، تو را می‌فرستیم انگلستان هم برای معالجه هم برای ادامه تحصیلات. {حسن جعفری} می‌گوید من برایم روشن شد که اگر این کار را بکنم اینها به فرض است، تو را می‌فرستیم انگلستان هم برای معالجه هم اینکه مرا هم در ببرند مرا سر به نیست می‌کنند. مرا با آن سوابق توی لندن ول نمی‌کنند

که یک وقتی زبلم باز بشود و افشاسرد بکنم. و به این نتیجه می‌رسد که محکوم به مرگ است و روی اینکه خودش را محکوم به مرگ می‌بیند فکر می‌کند که حالا که من مردنی هستم آن کسی را که باعث شده است من به این ورطه بیفتم بکشم. که آن (فرد) «دهقان» بوده است، با این حال ابهام در پرونده قتل «دهقان» به همین جا محدود نمی‌شود. به نظر می‌رسد از انتساب قاتل به حزب توده یا رزم‌آرا خیلی‌ها منتفع می‌شدند حتی موکل قاتل!! تا جایی که گفته می‌شود «مظفربقایی» که به درخواست «جواد جعفری» برادر «حسن جعفری» وکالت او را پذیرفته بوده و در زندان هم با قاتل دیدار یا دیدارهایی داشته عمداً از وکالت استنکاف می‌کند تا «جعفری» بهدار آویخته شود. قتل کار هر فرد و گروهی بود و هر جریانی که از اعدام «حسن جعفری» سود می‌برد اما «احمد دهقان» به خوش‌شانسی همکارش «محمد مسعود» سردبیر «مرد امروز» نبود که بالاخره یک روز قاتلش مشخص شد. خسرو روزبه چند سال بعد به جرم قتل سردبیر مرد امروز اعتراف کرد و تیرباران شد اما قاتل اصلی سردبیر «تهران‌منصور» همچنان در تاریخ نامشخص مانده است. «ابوالقاسم تفضلی» بعداً کتابی درباره این قتل و فردی که به‌عنوان قاتل اعدام شد نوشت، باعنوان: «بیگناهی که بهدار آویخته شد»

بود این ترور را ترتیب داده است. در مورد دخالت احتمالی او نیز شواهدی آرایه شده است. از جمله اینکه می‌گویند دهقان [در حالی که با دست، جای گلوله روی شکمش را گرفته بود] به طرف راهرویی که به خارج از ساختمان تماشاخانه منتهی می‌شد به راه افتاد. با دیدن آن سه نفر با نگرانی بیش از حد فریاد کشید: «منو به بیمارستان ارتش نبرید» مظفر بقایی در خاطراتش می‌گوید که: «تا وقتی رزم‌آرا زنده بود حسن جعفری اطمینان داشت که کشته نمی‌شود و همین‌طور هم بود و تا آن زمان جعفری اعدام نشد» «بقایی» این احتمال را می‌دهد که «دهقان» به تمایل رزم آرا کشته شده باشد. با این حال رزم‌آرا و کیانوری هر دو دست داشتن در قتل دهقان را رد کرده‌اند. «بقایی» در توضیح پرونده مولکش می‌گوید: «کارمند شرکت نفت بوده و توده‌ای هم بوده. در جریان سال ۲۵ بود که کارگرها اعصاب

آینه

اطلاعات

یادداشت: «مصلحت‌نظام؛ پاسخ به مطالبه عمومی؛ فتح‌الله املی (جوادی)

معاون اول رئیس‌جمهوری اسامی ۵۷۵ بدهکار کلان بانکی را به قوه‌قضاییه اعلام کرده است. اما یک خبرگزاری رسمی تعداد آنان را بیش از دو برابر این تعداد اعلام کرده است. البته هنوز اسامی این عده اعلام نشده.. آنها که سال‌هاست قرار است به مردم معرفی شوند اما نمی‌شوند. سال‌هاست که اسامی آنها در جیب رئیس دولت قبل بوده و هرگز بیرون نیامده و حتی در دولت جدید هم تنها اسامی آنان به قوه‌قضاییه اعلام شده است و نه به محضر مردم.. قدر مسلم برای عدم اعلام اسامی صریح و شفاف این بدهکاران عمده نظام بانکی، ملاحظات قابل‌قبولی وجود دارد و مصلحت‌اندیشی‌هایی حتماً با نیت سالمی در این مورد وجود دارد که شاید از منظر و نگاه بسیاری پذیرفتنی هم باشد، اما قدر مسلم هیچ مصلحتی مهم‌تر و فراتر از مصلحت نظام و کشور نیست و آبروی نظام اسامی بسیی مهم‌تر از آبروی این فرد یا آن شرکت و فلان بنیاد یا بهمان سازمان است.. با توجه به اینکه این اعلام و اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی به یک مطالبه عمومی تبدیل شده، شایسته آن است که بدون درنظر گرفتن هر مصلحت‌اندیشی دیگری به این مطالبه و خواست عمومی پاسخ داده شود.

انتقاد

یادداشت: «علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد»؛ محمدرضا خیابز

بختی که این‌روزها در مجلس پیش آمده این است که رئیس مجلس به کمیسیون‌های مختلف ابلاغ کردند که هر طرح و لایحه‌ای که به کمیسیون ابلاغ می‌شود آن کمیسیون موظف است نسخه‌ای از آن را برای مجمع تشخیص مصلحت‌نظام‌فرستد. به این معنا که اگر مجمع بما هو مجمع، کتابا به کمیسیون ابلاغ کرد که این مخالف یکی از بندهای سیاست‌های ابلاغی است نمایندگان باید به این ابلاغ غنا و توجه داشته و از کنار آن بهسادگی عبور نکنند. در قانون اساسی آمده که سیاست‌ها به وسیله رهبری ابلاغ می‌شود و اگر در مجلس نادیده گرفته شد، یکی از وظایف شورای نگهبان این است که سیاست‌های ابلاغی که از سوی رهبری ابلاغ شده را مدنظر داشته و اگر مصوبه‌ای خلاف سیاست‌ها بود آن را رد کند. بنابراین اگر مصوبه‌ای خلاف شرع مقدس و قانون اساسی و سیاست‌های ابلاغی باشد، شورای نگهبان آن را نخواهد پذیرفت. نامه رئیس مجلس شورای اسلامی حاکی از این است که قبل از اینکه مراحل پیموده شود و وقت مجلس گرفته شود، خودمان به آن توجه کنیم، اگر توجه نکنیم از مصوبه نتیجه‌ای هم نخواهیم گرفت.. ما تجربه بسیار تلخی در هشت سال گذشته داریم. اگر در این مدت مسایل اینگونه رصد می‌شد کشور دچار چنین حالتی نمی‌شد. علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد. بنابراین قبل از اینکه مصوبات مجلس رد شود، باید خود مجلس مراقبت کند که مصوبه‌ای نداشته باشد که خلاف سیاست‌ها باشد تا هم روند کاری از یک اتقان بالایی برخوردار باشد و هم نمایندگان بهتر بتوانند مصوبات محکمی تصویب کنند. به بیان دیگر هرچه مصوبات کمتری از سوی شورای نگهبان برگشت داده شود به نفع کشور، مجلس و مردم خواهد بود.

وقت کم‌رود

سر‌مقاله: «آیا «رفع تحریم‌ها» دکان است؟»؛ سیدعابدین نورالدینی

جدیدترین اتهام‌افکنی آقای روحانی علیه منتقدان یا مخالفان او به این شرح است: «در کشور عدل‌ای به‌نام اینکه باید در برابر قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها بایستیم، جیب مردم را زنده و اموال مردم را غارت کردند. نگذارید عدل‌ای دو مرتبه با شعر و شعار ما را از راه بزرگی که ملت ما در خرداد سال گذشته برگزید و انتخاب کرد، منحرف کنند.. درخواست‌های مکرر رئیس‌جمهور برای دفاع از توافق ژنو را کسی لبیک گفت. این بار او سعی می‌کند به این دوقطبی بار معرفتی بدهد و مختصاتی عقیدتی برای آن ایجاد کند. بر همین اساس است که پس از انگ‌زدن به منتقدان، حالا تلاش می‌کند مبنای عقیدتی آنها را مورد هدف قرار دهد تا این بار به قریبان گفتمانی منتقدان، برای جلب حمایت از خود چشمک بزند. آقای روحانی چه قبول کند چه نه، با این اتهام اخیر خود به جریان مقاومت، عملاً تلاش کرده فرهنگ مقاومت و الگوی ایستادگی در برابر دشمن را «بی‌اعتبار» کند.

کیهان

سر‌مقاله: «انتخابات سوریه عبور از بحران؟»؛ سعدالله زارعی

۱۳ خرداد روز برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در سوریه است.. این انتخابات نشانه واضحی از عبور سوریه از بحران به حساب می‌آید. انتخابات در سوریه یک انتخابات واقعی است و مردم می‌توانند به هر یک از سه نفر رای دهند. اگر اسد را دوست نداشته باشند و بخوانند به حکومت وی خامه دهند، کافی است که به او رای ندهند یا به یکی از دو نفر دیگر رای دهند. غرب مدعی است که هر سه کاندیدای انتخاباتی در سوریه از یک طیف بوده و این در واقع یک انتخاب داخلی از میان کاندیداهای نظام و یک آرایش حساب‌شده برای انتخاب مجدد بشار اسد به حساب می‌آید. مخالفان خارجی دولت سوریه که طی سه سال اخیر انواعی از برنامه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، امنیتی و.. را برای اسقاط دولت کنونی سوریه به اجرا گذاشته و به جایی نرسیده‌اند می‌توانند گروه‌های ناظر خود را به سوریه بفرستند و انتخابات را کنترل کنند.